رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۵، شماره پیاپی ۶۲، مرداد ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(5), 2021

مقایسه کارکردهای اجرایی حل مسأله، بازداری پاسخ و انعطاف‌پذیری شناختی در زنان خیانت‌گر و عادی

The Comparison of Executive Functions of problem-solving, response inhibition and cognitive flexibility in unfaithful and normal women

آذین آذربار
کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.
دکتر فاطمه نعمتی (نویسنده مسئول)
استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.
دکتر تورج هاشمی
استاد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.

Azin Azarbar
M. A., faculty of educational Sciences, and psychology, University of Tabriz, Iran.
Dr. Fateme Nemati*
Assistant Professor, faculty of educational Sciences, and psychology, University of Tabriz, Iran.
f.nemati84@gmail.com
Dr. Touraj Hashemi
Professor, faculty of educational Sciences, and psychology, University of Tabriz, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کارکردهای اجرایی حل مسأله، بازداری پاسخ و انعطاف‌پذیری شناختی در زنان خیانت‌گر و عادی انجام گرفت. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. نمونه پژوهش شامل ۴۰ زن با تجربه خیانت به همسر از بین مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره و ۴۰ زن بدون تجربه خیانت بود که به روش هدفمند وارد پژوهش شدند. ابزار پژوهش شامل آزمون‌های کامپیوتری ویسکانسین، برو-نرو و استروپ بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان با تجربه خیانت نسبت به زنان عادی به طور معناداری دارای نمرات پایینتر در کارکردهای اجرایی حل مسأله، بازداری پاسخ و انعطاف‌پذیری شناختی هستند ($P<0/05$). با توجه به اهمیت کارکردهای اجرایی در خیانت زنان، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های پیشگیری از خیانت زناشویی این عوامل در نظر گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی: *حل‌مسأله، بازداری پاسخ، انعطاف‌پذیری شناختی، خیانت.*

Abstract

The aim of this study was to compare the executive functions of problem-solving, response inhibition, and cognitive flexibility in unfaithful and normal women. The research method was causal-comparative. The sample consisted of 40 women with experience of infidelity from among those who referred to counseling centers and 40 women without experience of infidelity who entered the study in a purposeful manner. The research instruments were Wisconsin, Go-NoGo, and Stroop tests. Data were analyzed using multivariate analysis of variance. Findings showed that women with experience of infidelity compared to normal women had significantly lower scores in problem-solving, response inhibition, and cognitive flexibility ($P <0.05$). Given the importance of executive functions in female infidelity, it is suggested that these factors be considered in marital infidelity prevention programs.

Keywords: *problem solving, response inhibition, cognitive flexibility, infidelity*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : اسفند ۹۹** | **پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۰** | **ویرایش نهایی : مرداد ۱۴۰۰**

مقدمه

تعهد زناشویی شرایطی است که همسران برنامه‌های بلندمدت برای ازدواجشان دارند، بخاطر رابطه خود فداکاری می‌کنند، در جهت نگهداری و افزایش همبستگی و اتحاد بین خود گام برمی‌دارند و حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش‌دهنده نیست با همسرشان می‌مانند

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

(هارمون[1] ۲۰۰۵). عدم تعهد یا خیانت[2]زناشویی نوعی درگیری عاطفی، جنسی یا عاطفی-جنسی با شخصی غیر از همسر است و ویژگی اصلی‌اش محرمانه بودن آن است (براون[3] ۲۰۱۳). آمارهای متفاوتی در زمینه خیانت وجود دارد و برخی مطالعات در این حیطه نشان می‌دهد که حدود یک سوم از مردان و یک چهارم از زنان حداقل یک بار در طول زندگی مشترک درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند (مارک، جانسن و میل هاوسن[4] ۲۰۱۱). همچنین، ۴۱ درصد از طلاق‌ها ناشی از خیانت جنسی یا عاطفی است (آپستو[5] ۲۰۱۶). براساس پژوهش-های پیشین، مردان بیش از زنان وارد روابط فرازناشویی می‌شوند (اسمیت[6] ۲۰۰۶)، اما پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در زمینه خیانت‌های زناشویی کاهش یافته است و نرخ خیانت در زنان و مردان در حال نزدیک شدن است (مارک، جانسن و میلهانسن، ۲۰۱۱؛ مانش[7] ۲۰۱۲). گرچه در ایران تحقیقات کمی انجام یافته است که وجود چنین روابطی را تأیید می‌کند، اما متاسفانه آمار رسمی دقیقی در دسترس نیست. با این حال افزایش روز افزون مراجعه به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده به سبب خیانت زناشویی نشان‌گر اهمیت این موضوع است.

به تازگی پژوهش‌ها به سمت بررسی عوامل و فرایندهای شناختی مؤثر بر روابط فرازناشویی رفته است، هرچند که مطالعات موجود در این زمینه بسیار محدود است. کارکردهای اجرایی به عنوان یک سری توانایی‌های شناختی سطح بالا تعریف می‌شوند که تحت کنترل آگاهی فکر و عمل است (یان، هانگ، لیو و سو[8] ۲۰۱۹). کارکردهای اجرایی را می‌توان به دو سطح تقسیم کرد. کنترل مهاری، حافظه کاری و قابلیت شناختی سطح اولیه کارکردهایی اجرایی را تشکیل می‌دهد؛ در حالی که برنامه‌ریزی، استدلال و حل مسأله متعلق به سطح بالاتر کارکردهای اجرایی است (زلزو[9] ۲۰۱۵؛ یان و همکاران، ۲۰۱۹). از جمله مولفه‌های مهم کارکرد اجرایی شامل حل مسأله، انعطاف-پذیری شناختی و بازداری پاسخ است. حل مسأله، فرایندی شناختی رفتاری مهمی است که فرد سعی می‌کند با کمک آن راه‌حل‌هایی موثر را برای مسائل پیدا کند (داناسب و الیاس؛[10]۲۰۰۶). انعطاف‌پذیری شناختی توانایی است که سبب می‌گردد تا فکر و رفتار فرد با تغییرات محیطی سازگاری پیدا کند (دیکستین[11] و همکاران، ۲۰۰۷). بازداری پاسخ، توانایی متوقف کردن افکار، اعمال و احساسات است (بارکلی؛[12]۱۹۹۷).

چند پژوهش به نقش کارکردهای اجرایی در توانایی وفادار ماندن و آسیب آنها در روابط فرازناشویی اشاره کرده‌اند (پرانک، کارمانز و ویکبولداس؛[13]۲۰۱۱؛ یودا، یانگی سودا، آشید و آبه؛[14]۲۰۱۲؛ هامبورگ و پرانک؛[15]۲۰۱۵؛ خرم‌آبادی، صالحی قدردی، شاملو و بیگدلی، ۱۳۹۷). در پژوهش هامبورگ و پرانک (۲۰۱۵) نقش کارکردهای اجرایی انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری در رابطه با روابط فرازناشویی و رویگردانی از جایگزین جذاب مشخص شد. خرم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز دریافتند که انعطاف‌پذیری و بازداری پاسخ با نقش میانجی خودکنترلی دارای اثر غیرمستقیمی بر روابط فرازناشویی هستند. در پژوهش آزادی، کیمیایی و عباسی بورندرق (۱۳۹۳) نیز مشخص شد که بین حل مسأله با مشکلات و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

با وجود پژوهش‌هایی که در فوق ذکر شد، بررسی مقایسه‌ای کارکردهای اجرایی در جامعه آماری مورد نظر صورت نگرفته است و پژوهش‌های موجود در داخل کشور در این زمینه بسیار محدود است. همچنین، در مطالعات موجود، به بررسی زنان خیانت‌گر پرداخته

1 Harmon
2 infidelity
3 Brown
4 Mark, Janssen & Millhausen
5 Apostu
6 smith
7 munsch
8 Yan, Hong, Liu & Su
9 Zelazo
1 Danasabe & Elias 0
1 Dickstein 1
1 Barkley 2
1 Pronk, karremans & wigboldus 3
1 Ueda, Yanagisawa, Ashida &Abe. 4
1 Hamburg &Pronk 5

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

نشده است و اکثر پژوهش‌ها دچار نوعی سوگیری جنسیتی است، در صورتی که باتوجه به مراجعات افراد به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده و سایر منابع رسمی و غیررسمی می‌توان به خوبی دریافت که خیانت مختص به مردان نیست و در هر دو جنس دیده می‌شود. از این رو با توجه به آن چه مطرح شد، پژوهش حاضر با هدف مقایسه کارکردهای اجرایی حل مساله، انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ در زنان خیانت‌گر و زنان عادی انجام گرفت.

روش

طرح پژوهش حاضر در دسته‌بندی مطالعات علّی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) قرار می‌گیرد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلّیه زنان خیانت‌گر و زنان عادی (۲۰ تا ۶۰ ساله) ساکن شهرستان‌های قائمشهر و ساری است. نمونه پژوهشی حاضر شامل ۴۰ نفر از زنان خیانت‌گر مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و ۴۰ نفر از زنان عادی ساکن شهرستان قائمشهر و ساری است که به صورت هدفمند در پژوهش حضور یافتند. معیارهای ورود به پژوهش برای گروه زنان خیانت‌گر عبارت بودند از: تاهل، خیانت به همسر (عاطفی، جنسی یا عاطفی-جنسی) طی پنج سال گذشته، طیف سنی بین ۱۸ تا ۶۵ سال، تحصیلات حداقل دیپلم و حداکثر کارشناسی ارشد، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش. معیارهای ورود به پژوهش برای گروه زنان عادی عبارت بودند از: تاهل، عدم تجربه خیانت به همسر (عاطفی، جنسی یا عاطفی-جنسی)، طیف سنی بین ۱۸ تا ۶۵ سال، تحصیلات حداقل دیپلم و حداکثر کارشناسی ارشد، رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش. معیارهای خروج برای هر دو گروه عبارت بودند از: بودن در روابط عاطفی خارج از چارچوب ازدواج رسمی (دوستی یا ازدواج سفید) یا مجرد بودن، افرادی که خیانت دیده بودند، افرادی که اعتیاد یا اختلال روانی داشتند (بر اساس پرونده).

ابزار سنجش

آزمون ویسکانسین[1]: از این آزمون به منظور بررسی کارکرد اجرایی حل مسأله استفاده شد. نسخه اولیه آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین توسط گرانت و برگ[2](۱۹۴۸) به وجود آمد. این آزمون یک آزمون نوروسایکولوژیک است که برای اندازه‌گیری مهارت‌های حل‌مسأله، طبقه‌بندی، تفکر انتزاعی، توانایی نگهداری مفاهیم و انعطاف‌پذیری شناختی که به عملکرد لوب پیشانی نسبت داده می‌شود، به کار می‌رود (کاپلان و سادوک[3] ۱۹۹۹؛ نجاتی، ذبیح زاده، ملکی و صفرزاده، ۱۳۹۲). نسخه‌ی رایج امروزی شامل دو دسته ۶۴ تایی با ۴ کارت محرک است (هیتون، چلون، تالی، کی و کورتیس[4] ۱۹۹۳). در این آزمون به آزمودنی دسته‌ای از ۶۴ کارت ارائه می‌شود که بر روی آن‌ها یک الی چهار نماد در چهار رنگ قرمز، سبز، زرد و آبی وجود دارد که هیچ دو کارتی مشابه نیست. ۴ کارت به عنوان کارت‌های اصلی به کار می‌رود. در واقع به آزمودنی گفته می‌شود که جایگزینی او درست است یا غلط. بعد از اینکه آزمودنی به تعداد کافی پاسخ صحیح متوالی داد، الگوی مورد نظر تغییر می‌کند که البته آزمودنی از تغییر الگو آگاه نمی‌شود و خود باید آن را کشف کند (رسولی، سلیمانی و قریشی راد، ۱۳۹۶). دو شاخص اصلی نشان‌دهنده‌ی عملکرد آزمودنی، تعداد طبقات بدست آمده و تعداد خطاهای درجاماندگی است. نمره کل براساس تعداد طبقات و تعداد خطا محاسبه می‌شود و نمره بالاتر به معنای عملکرد بهتر است. مطالعه اسپیرین واستراوس[5](۱۹۹۱) اعتبار آزمون دسته‌بندی کارت ویسکانسین را ۰/۸۳ گزارش کرده است. شاهقلیان (۱۳۹۰) همسانی درونی این آزمون را ۰/۷۴ ذکر کرده است.

آزمون استروپ[6]: از این آزمون به منظور بررسی انعطاف‌پذیری شناختی استفاده شد. برای اولین بار، آزمون استروپ در سال ۱۹۳۵ توسط ریدلی استروپ به منظور ارزیابی توجه انتخابی، بررسی انعطاف‌پذیری شناختی، ارزیابی مقاومت در برابر محرکهای بیرونی و اندازه-گیری خلاقیت ساخته شد (استروپ، ۱۹۳۵). بیشترین کارایی این آزمون در زمینه شدت سنجش و نوع واکنش روانی افراد به عوامل فشارزای محیطی، اختلالات عصب‌شناختی و کنترل بازداری است. این آزمون از دو مرحله تشکیل می‌شود: ۱) مرحله‌ی اول: این مرحله

1 Wisconsin test
2 Grant & Berg
3 Kaplan, Sadock.
4 Heaton, Chelune, Talley, Kay & Curtis.
5 Spreen & straus
6 Stroop test

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

نامیدن رنگ است. در این مرحله از آزمودنی خواسته می‌شود تا در یک مجموعه‌ی رنگی، رنگ شکل مورد نظر را مشخص کند. هدف این مرحله، تنها تمرین و شناخت رنگ‌ها و جای کلیدها در صفحه کلید است و در نتیجه نهایی تاثیری ندارد. ۲) مرحله دوم: مرحله‌ی اجرای اصلی استروپ است. در این مرحله ۴۸ کلمه دارای همخوانی هستند و ۴۸ کلمه ناهمخوان با رنگ (قرمز، آبی ،زرد و سبز)، به آزمودنی ارائه می‌شوند. منظور از کلمات هم‌خوان، یکسان بودن رنگ کلمه با معنای کلمه است؛ مثلاً کلمه‌ی سبز که با رنگ سبز به آزمودنی نمایش داده می‌شود. منظور از کلمات ناهم‌خوان، متفاوت بودن رنگ کلمه با معنای کلمه است؛ مثلاً کلمه‌ی سبز که با رنگ آبی، قرمز و یا زرد نشان داده می‌شود. تکلیف آزمودنی این است که صرف نظر از معنای کلمات، تنها رنگ ظاهری آن را مشخص کند. زمان ارائه‌ی هر محرک بر روی صفحه‌ی نمایشگر ۲ ثانیه و فاصله‌ی ارائه‌ی دو محرک ۸۰۰ هزارم ثانیه است (قدیری، جزایری، عشایری و طباطبایی ، ۱۳۸۵). محققان بر این باورند که تکلیف رنگ-کلمه (مرحله ی دوم آزمایش) انعطاف‌پذیری ذهنی، تداخل و بازداری پاسخ را اندازه‌گیری می‌کند (مک لود[1] ۱۹۹۱). میزان تداخل با کم کردن نمره‌ی تعداد صحیح ناهم‌خوان از نمره تعداد صحیح هم‌خوان به دست می‌آید. با محاسبه خطا و زمان لازم برای خواندن، نمره آزمودنی محاسبه می‌گردد و نمره بالاتر نشان‌دهنده عملکرد بهتر آزمودنی است. اعتبار این آزمون از طریق بازآزمایی در دامنه‌ای از ۸۰ ٪ تا ۹۰٪ گزارش شده است (مک لود، ۱۹۹۱). در ایران، پایایی به روش بازآزمایی برای هر دو کوشش به ترتیب معادل ۰/۰۱، ۰/۸۳ و ۰/۹۷ بود (کریمی، کافی و فرهی، ۱۳۸۹).

آزمون برو-نرو:[2] این آزمون به منظور اندازه‌گیری بازداری استفاده می‌شود. شامل دو دسته محرک است. آزمودنی‌ها باید به دسته‌ای از این محرک‌ها پاسخ دهند (GO) و از پاسخدهی به دسته دیگر خودداری کنند. از آنجایی که تعداد محرک های (GO) بیشتر از محرک‌های (NO GO) است، آمادگی برای ارایه پاسخ در فرد بیشتر است. عدم بازداری مناسب یا خطای ارتکاب به معنی انجام پاسخ حرکتی در هنگام ارایه محرک غیرهدف است. از این آزمون، ۳ نمره جداگانه به‌دست می‌آید: درصد خطای ارتکاب، درصد بازداری نامناسب و زمان واکنش. نمره کل هر آزمودنی براساس این سه نمره محاسبه شده و نمره بالاتر به معنای عملکرد بهتر در بازداری است. کل محرک می‌تواند از ۴۰ تا ۲۰۰ مورد باشد. قدیری و همکاران (۱۳۸۵) پایایی آزمون برو نرو را ۸۷٪ گزارش کردند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش های تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل واریانس تک‌متغیره در نرم‌افزار آماری SPSS-20 استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان برای گروه زنان خیانت‌گر به ترتیب ۴۴/۵ و ۵/۴ و برای گروه زنان عادی به ترتیب ۴۶ و ۵/۷ بود. میانگین و انحراف معیار برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

		میانگین	انحراف استاندارد
حل‌مسأله			
	زنان خیانت‌گر	۱۸/۳۳	۷/۵۴
	زنان عادی	۲۱/۳۴	۶/۱۲
انعطاف‌پذیری شناختی	زنان خیانت‌گر	۱۹/۲۶	۸/۶۱
	زنان عادی	۲۳/۳۷	۴/۸۳
بازداری	زنان خیانت‌گر	۱۷/۷۳	۵/۲۹
	زنان عادی	۲۱/۹۳	۳/۹۶

1 MacLeod
2 GO-NO GO test

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، زنان عادی در کارکردهای اجرایی حل مسأله و انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ میانگین‌های بالاتری را کسب کرده‌اند. جهت بررسی معنی‌داری این تفاوت باید از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شود. با توجه به عدم معنی‌داری آزمون ام باکس (۰/۱۰۲ =sig ،۱/۷۶=F) در سطح P<0/01 و آزمون لوین درکارکردهای اجرایی حل مساله (F=۰/۳۳۸، SIG=۰/۷۱۴)، انعطاف‌پذیری شناختی (F=۰/۳۱۱، SIG=۰/۷۳۳) و بازداری (F=۲/۳۱، SIG=۰/۱۰۳) در سطح P<0/01؛ پیش فرض های تحلیل واریانس چند متغیره محقق شد و بنابراین انجام تحلیل واریانس چند متغیره بلامانع است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در جدول (۲) آمده است.

جدول۲- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی تفاوت گروه‌ها در متغیرهای حل مسأله، انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ

شاخص‌های آماری	متغیر های تحقیق	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریبF	معناداری
منبع						
حل‌مسأله	گروه	۶۳۱/۱۶	۱	۶۳۱/۱۶	۵/۷۳	۰/۰۰۰
	خطا	۱۱۵۱/۰۲	۷۸	۱۱/۷۴		
انعطاف‌پذیری شناختی	گروه	۲۳۲/۸۳	۱	۲۳۲/۸۳	۵/۹۴	۰/۰۰۰
	خطا	۲۰۸۵/۳۲	۷۸	۲۱/۲۷		
بازداری	گروه	۱۰۳۷/۱۲	۱	۱۰۳۷/۱۲	۶/۴۳	۰/۰۰۰
	خطا	۱۶۲۷/۸۶	۷۸	۱۶/۶۱		

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه زنان عادی و خیانت‌گر در متغیرهای حل مسأله (F=۵/۷۳؛ SIG=۰/۰۰۰)، انعطاف‌پذیری شناختی (F=۱۰/۹۴؛ SIG=۰/۰۰۰) و بازداری (F=۶/۴۳؛ SIG=۰/۰۰۰) در سطح P<۰/۰۱ معنادار است. به عبارت دیگر نمرات زنان عادی در حل مسأله، انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری به شکل معنی‌داری بالاتر است

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کارکردهای اجرایی حل مسأله، انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ در زنان خیانت‌گر و عادی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد نمرات زنان عادی در کارکردهای اجرایی حل‌مسأله، انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ به طور معناداری بالاتر هستند. کارکرد اجرایی پایین‌تر در زنان خیانت‌گر با نتایج پژوهش‌های پیشین در زمینه ارتباط کارکردهای اجرایی با روابط فرازناشویی همسو است (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱؛ یودا و همکاران، ۲۰۱۲؛ هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵؛ خرم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷).

اختلال در مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی می‌تواند منجر به تخریب روابط اجتماعی و ایجاد رفتارهای عاطفی و هیجانی نامناسب شود (واتکینز، رابینز و ویل[1] ۲۰۰۵). بازداری پاسخ ضعیف سبب می‌گردد تا افراد نتوانند به خوبی از برخی رفتارهای نامناسب بازداری کنند (بارکلی، ۱۹۹۷) و این موضوع تبیین‌کننده ناتوانی در چشم‌پوشی از دیگران جذاب است، زیرا افراد خیانت‌گر در شرایطی که باید از برقراری ارتباط با دیگران خودداری کنند و پایبند به تعهدات زناشویی خود بمانند توانایی بازداری ندارند. انعطاف‌پذیری شناختی توانایی است که سبب می‌گردد تا فکر و رفتار فرد با تغییرات محیطی سازگاری پیدا کند (دیکستین و همکاران ، ۲۰۰۷) و ناتوانی در این کارکرد اجرایی منجر می‌شود تا افراد خیانت‌گر نتوانند در مواجهه با مشکلات به سازگاری مناسبی دست یابند و با تغییرات زندگی زناشویی همچون تولد فرزندان، تغییر محل زندگی و غیره به خوبی کنار بیایند و در نتیجه به سمت عدم سازگاری در رابطه و ورود به روابط فرازناشویی پیش روند. حل مسأله، فرایندی شناختی رفتاری مهمی است که فرد سعی می‌کند با کمک آن راه‌حل‌هایی موثر را برای مسائل پیدا کند (داناسب و الیاس، ۲۰۰۶). در افراد خیانت‌گر ضعف در حل مسأله سبب می‌گردد تا آن‌ها نتوانند اقدام موثری جهت حل مشکلات رابطه‌ی عاطفی

1 Watkins, Robbins & Veale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

خود داشته باشند؛ در نتیجه‌ی ناتوانی در حل مسأله و یافتن راه‌حل هایی مناسب برای رفع مشکلات خانواده سبب می‌شود تا آنها به سمت راهکارهای ناکارآمد همچون خیانت سوق پیدا کنند.

در باب محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که متغیرهای مداخله‌گر از جمله وضعیت اقتصادی-اجتماعی شرکت‌کنندگان کنترل نشد و نمونه‌گیری صرفا از بین زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انجام شد. با توجه به این محدودیت‌ها به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی نمونه‌گیری از سایر مراکز مهم همچون دادگاه‌های خانواده نیز انجام شود و متغیرهای اثرگذاری همچون وضعیت اقتصادی-اجتماعی به دقت کنترل گردد. با توجه به اهمیت کارکردهای اجرایی حل مسأله، انعطافپذیری شناختی و بازداری پاسخ در خیانت زنان، بستر پژوهشی مناسبی جهت بررسی سایر کارکردهای اجرایی فراهم گردید تا نقش آنها نیز در بحران‌های زناشویی و به ویژه خیانت زناشویی بررسی گردد. همچنین به سبب اهمیت سه کارکرد اجرایی مذکور، می‌توان از طریق ارزیابی و توانمند سازی زنان در این حیطه ها، مانع بروز خیانت زناشویی شد. به همین سبب پیشنهاد می‌شود تا در برنامه‌های پیشگیری از خیانت زناشویی این عوامل در نظر گرفته شوند.

سپاسگزاری: این مقاله حاصل بخشی از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که با حمایت دانشگاه تبریز اجرا شد. از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش یاری رساندند به ویژه ریاست دانشکده و مدیریت گروه روانشناسی دانشگاه تبریز و مراکز مشاوره شهرستان قائمشهر و ساری قدردانی می‌گردد.

منابع

آزادی، زینب؛ کیمیایی، سید علی و عباسی بورندرق، سکینه (۱۳۹۳). رابطه توانایی حل مساله خانواده و باورهای غیرمنطقی با مشکلات و ناسازگاری زناشویی، *فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی*، ۹(۳۶)، ۱۲-۱.

خرم آبادی، راضیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ بیگدلی، ایمان الله و صالحی فدردی، جواد (۱۳۹۷). مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی. *فصلنامه روانشناسی شناختی*، ۶(۱)، ۵۷-۴.

رسولی، حبیب اله؛ سلیمانی، مهران و قریشی راد، فخرالسادات (۱۳۹۶). مقایسه فراشناخت، انعطاف پذیری شناختی و تکانشگری در نوجوانان با منبع کنترل درونی و بیرونی. *مجله بیهق*، ۲۲(۲)، ۳۰-۲۳.

شاهقلیان، مهناز؛ آزاد فلاح، پرویز؛ فتحی آشتیانی؛ علی و خدادادی، مجتبی (۱۳۹۰). طراحی نسخه نرم افزاری آزمون دسته بندی کارت های ویسکانسین: مبانی نظری، نحوه ساخت و ویژگی های روانسنجی، *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۱(۴)، ۱۱۱.

قدیری، فاطمه؛ جزایری، علیرضا؛ عشایری، حسن و قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۵). نقائص کارکردهای اجرایی در بیماران اسکیزو-وسواسی. *تازه های علوم شناختی*، ۳۱، ۲۴-۱۱.

کریمی علی‌آباد، تمجید؛ کافی، موسی و فرهی، حسن (۱۳۸۹). بررسی کارکردهای اجرایی بیماران مبتلا به اختلال دو قطبی. *تازه های علوم شناختی*، ۱۲(۲)، ۳۹-۲۹

نجاتی، وحید و ذبیح زاده، عباس؛ ملکی، قیصر و صفرزاده، مریم (۱۳۹۲). مقایسه کارکردهای اجرایی بیماران مبتلا به اختلال وسواسی-جبری و افراد بهنجار. *روان شناسی بالینی*، ۵(۱۷)، ۹۲-۸۱.

Apostu, I. (2016). The Two Dimensions of Infidelity. *Postmodern Openings*, 7(2), 167-178.

Barkley, R. A. (1997*). ADHD and the nature of self-control*. New York:Guilford Press.

Brown, E. M. (2013). *Patterns of infidelity and their treatment*. Routledge.

Danasabe, M., & Elias, N. B.(2016). Relationship between postpartum depression and problem solving ability among postpartum women in Nigeria. *IOSR journal of humanitis and social science*, 21(4), 81-89

Dickstein, D. P., Nelson, E. E., McCLURE, E. B., Grimley, M. E., Knopf, L., Brotman, M. A., ... & Leibenluft, E. (2007). Cognitive flexibility in phenotypes of pediatric bipolar disorder. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, *46*(3), 341-355.

Grant, D. A., & Berg, E. A. A. (1948). A behavioral analysis of the degree of reinforcement and ease of shifting to new responses in a Weigly-type card-sorting problem*. Journal of Experimental Psychology*, 38, 404-411.

Hamburg, M. E., & Pronk, T. M. (2015). Believe you can and you will: The belief in high self-control decreases interest in attractive alternatives. *Journal of Experimental Social Psychology.* 56, 30-35.

Harmon, KH.D.(2005). black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction .unpublished doctoral dissertation , *university of Alabama.*

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

Heaton, R. K., Chelune, G. J., Talley, J. L., Kay, G. G., & Curtis, G. (1993). Wisconsin Card Sorting Test (WCST). Manual revised and expanded. Odessa: *Psychological Assessment Resources Inc.*

Kaplan, H. I., Sadock, B. J., (1999). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins

MacLeod, C. M. (1991). Half a century of research on the Stroop effect: an integrative review. *Psychological bulletin*, *109*(2), 163.

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, *40*(5), 971-982.

Munsch, C. L. (2012). The Science of Two-Timing: The State of Infidelity Research. Sociology Compass, 6 (1), 46-59.

Pronk, T. M., Karremans, J. C., & Wigboldus, D. H. (2011). How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *Journal of personality and social psychology*, 100(5), 827.

Spreen, O., & Strauss, E. (1991). *A compendium of neuropsychological tests: Administration, norms, and commentary.* New York: Oxford University Press.

Smith, T. (2006). *American sexual behavior: Trends, socio-demographic differences, and risk behavior*. Chicago: National Opinion Research Center.

Stroop, J. R. (1935). Studies of interference in serial verbal reacLons. *Journal of Experimental Psychology*, 18, 643–662.

Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2017). Implicit attitudes and executive control interact to regulate interest in extra-pair relationships. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, 17(6), 1210-1220.

Watkins, L., Robbins, T., & Veale, A. (2005). Executive function in obsessive-compulsive. *Journal of Brain and Cognition*, 43, 98-120.

Yan, Z., Hong, S., Liu, F., & Su, Y. (2019). A meta-analysis of the relationship between empathy and executive function. *PsyCh journal*, 9(1), 34-43.

Zelazo, P. D. (2015). Executive function: Reflection, iterative reprocessing, complexity, and the developing brain. *Developmental Review*, 38, 55 –68

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.15.3]